

بنویسیم	...	ننویسیم	بنویسیم	...	ننویسیم	بنویسیم	...	ننویسیم
به ازای	←	بازای	قشرها	←	اقشار	آزمایش‌ها	←	آزمایشات
بازده	←	بازدهی	لااقل	←	اقلاً	اوت	←	آگوست
بازرسان	←	بازرسین	دست‌کم	←	ل	آن‌جا	←	آنجا
باتری	←	باطری	غالباً	←	اکثراً	آنچه	←	آن‌چه
باتلاق	←	باطلاق	بیش‌تر	←	ل	آن‌قدر	←	آن‌قدر
باغ‌ها	←	باغات	الف مقصوره در واژه‌های برگرفته از زبان عربی، معمولاً به صورت «ا» نوشته می‌شود. (این قاعده در مورد عبارت‌های عربی صدق نمی‌کند.)			آن‌گاه	←	آن‌گاه
به‌تدریج	←	بتدریج				اسماعیل	←	اسمعیل
به‌جای ...	←	بجای ...	صغرا	←	صغری	آئینه، آینه	←	آئینه
به‌جز	←	بجز	کبرا	←	کبری	ابتدا	←	ابتداء
به‌خاطر ...	←	بخاطر ...	طاها	←	طه	ابزار	←	ابزارها
به‌خصوص	←	بخصوص	مستثنا	←	مستثنی	اثاث	←	اثاثیه
به‌خوبی	←	بخوبی	مصلاً	←	مصلی	اثرها	←	اثرات
به‌دست	←	بدست	اعلا	←	اعلی	تات [علامت جمع عربی] را تا حد امکان نباید مورد استفاده قرار داد.		
به‌دقت	←	بدقت	معنا	←	معنی			
به‌دلیل ...	←	بدلیل ...	متوفا	←	متوفی	نشریه‌ها	←	نشریات
بر علیه	←	بر علیه	الاهه	←	الهه	مقاله‌ها	←	مقالات
بر ضد	←	بر ضد	حتا	←	حتی	اجرا	←	اجراء
برآمد	←	برآمد [اسم]	امضاء	←	امضاء	اجزا	←	اجزاء
برآورد	←	برآورد [اسم]	املاء	←	املاء	احوال	←	احوالات
برآیند	←	برآیند [اسم]	انجام دادن	←	انجام [اسم]	ارائه	←	ارایه
بهراحتی	←	بهراحتی	آند [فعل] به واژه‌ی پیش از خود نمی‌چسبد.			استادان	←	اساتید
بر اساس ...	←	بر اساس ...				عبارت‌اند	←	عبارتند
برهه	←	برهه از زمان	متفاوت‌اند	←	متفاوتند	است در متن‌های علمی و تخصصی، به صورت مخفف (ست) نوشته نمی‌شود. در متن‌های دیگر، حذف «ا» از فعل «است»، فقط در صورتی مجاز است که واژه‌ی پیش از آن مختوم به مصوت «ا» (A) یا «و» (o)، (u) باشد؛ اما در بقیه‌ی موارد، مجاز نیست. (استثنا: چیست، کیست، نیست)		
بزودی	←	بزودی	مساوی‌اند	←	مساویند			
به‌سادگی	←	بسادگی	انشاء	←	انشاء	اینست	←	اینست
به‌سرعت	←	بسرعت	انشاء... انشاء...	←	انشاء... انشاء...	عبارتست	←	عبارتست
به‌سهولت	←	بسهولت	انقضاء	←	انقضاء	استثنا	←	استثنا
به‌صورت ...	←	بصورت ...	اوائل	←	اوائل	استعفا دادن	←	استعفا کردن
به‌طور ...	←	بطور ...	اولیاء	←	اولیاء	آسهم	←	آسهم (سهم‌ها)
بطیء	←	بطئی	ایدئال	←	ایدئال	اطاق	←	اطاق
بعد از ظهر	←	بعدازظهر	ایدوست	←	ایدوست	اطو	←	اطو
به‌عنوان ...	←	بعنوان ...	ایدئال	←	ایدئال	آعراب	←	آعراب
بقا	←	بقاء	این‌جا	←	این‌جا	اعزام	←	اعزام
به‌کار بردن	←	بکار بردن	اکنون	←	اکنون	اعضا	←	اعضاء
بی‌درنگ	←	بلادرنگ	این‌کار	←	این‌کار	اقتضا	←	اقتضاء
بلیت	←	بلیط	به‌آرامی	←	به‌آرامی			
بنا بر این	←	بنابرین	به‌آسانی	←	به‌آسانی			
بندرها	←	بنادر	با وجود این	←	با وجود این			
به‌وجود	←	بوجود						
به‌ویژه	←	بویژه						
بها	←	بهاء						
بهبود	←	بهبودی						

بنویسیم	...	ننویسیم	بنویسیم	...	ننویسیم	بنویسیم	...	ننویسیم
زغال	←	ذغال	چشم‌به‌راه	←	چشم‌براه	بهبوه	←	بهبوچه
ذی‌حساب	←	ذیحساب	چه‌طور	←	چطور	<p>به‌عنوان ... بهتر است به کار برده نشود.</p> <p>بی [وند] جدا از واژه‌ی پس از خود نوشته می‌شود.</p> <p>(«بی» در واژه‌هایی نظیر «بیمار، بیرون، بی‌نا»، «وند» نیست و نباید جدا نوشته شود.)</p>		
ذی‌ربط	←	ذیربط	چه‌قدر	←	چقدر			
مربوط	←	مربوط	چه‌کار	←	چکار			
ذی‌قیمت	←	ذیقیمت	چنانچه	←	چنان‌چه			
ارزشمند	←	ارزشمند	چگونه	←	چگونه			
ذی‌نفع	←	ذینفع	حاصل‌ضرب	←	حاصل‌ضرب			
رتالیست	←	رتالیست	حد اقل	←	حداقل			
			حد اکثر	←	حداکثر			

را [نشانه‌ی مفعول] جدا از واژه‌ی پیش از خود نوشته می‌شود.
(استثنا: مرا)

اینرا	←	این را
آنرا	←	آن را
تورا	←	تو را

خانه در این جا نمونه‌ای برای بیان قاعده‌هایی کلی در باره‌ی واژه‌های مختوم به مصوّت «ه، ه» (e) است:

خانگی	←	خانگی
خانه‌ای	←	خانه‌یی، خانیهی
خانه‌ام	←	خانه‌م
خانه‌ات	←	خانه‌ت
خانه‌اش	←	خانه‌ش
خانه‌مان	←	خانه‌یمان، خانه‌یمان
خانه‌تان	←	خانه‌اتان، خانه‌تان
خانه‌شان	←	خانه‌اشان، خانه‌شان

بی‌جا	←	بیجا
بی‌چاره	←	بیچاره
بی‌خود	←	بیخود
بی‌راه	←	بیراه
بی‌کار	←	بیکار
بی‌مورد	←	بیمورد
بی‌نهایت	←	بینهایت
بی‌نوا	←	بینوا
بی‌هوده	←	بیهوده

رجاء	←	رجا
رسوخ	←	نفوذ
روانشناس	←	روان‌شناس
روبراه	←	روبه‌راه
روبرو	←	روبه‌رو
روسا	←	رؤسا
رویا	←	رؤیا
ره‌آورد	←	رهاورد
رهی‌معیری	←	رهی‌معیری
رییس	←	رئیس
رؤوس	←	رئوس
رؤوف	←	رئوف
زمانبندی	←	زمان‌بندی

خدمتگذار	←	خدمت‌گزار
خواروبار	←	خواربار
خواهشاً	←	لطفاً
خودبخود	←	خودبه‌خود
داود	←	داوود
داوطلبین	←	داوطلبان
در اثر ...	←	بر اثر ...
در ارتباط با	←	در باره‌ی، در مورد

تر، ترین [علامتِ صفتِ تفضیلی و عالی] جدا از واژه‌ی پیش از خود نوشته می‌شوند.
(استثنا: بهتر، بهترین)

مهم‌تر	←	مهم‌تر
بزرگ‌تر	←	بزرگ‌تر
بیشتر	←	بیشتر
کم‌تر	←	کم‌تر

ساز و کار بهتر است مورد استفاده قرار نگیرد.

ساعت ۹:۳۰	←	ساعت ۹/۳۰
سامان‌دهی	←	ساماندهی
سربه‌راه	←	سربراه
سربه‌زیر	←	سربرزیر
سربه‌سر	←	سربرسر
سربه‌هوا	←	سرهبهوا
سفارش‌ها	←	سفارشات
سؤال	←	سوال
ثالثاً	←	سوماً
سوم	←	دوم
سؤال	←	سئوال
شکرگزار	←	شکرگذار
شورای عالی	←	شورایعالی

درآمد [اسم]	←	درآمد
درب	←	در
درباره‌ی	←	در باره‌ی
در صورتیکه	←	در صورتی‌که
درونیایی	←	درون‌یابی
دست‌کم	←	دست‌کم
دکتر فاطمی	←	دکتر فاطمی
دلایل	←	دلایل
دوماً	←	ثانیاً
دوم	←	دوم
دهات	←	روستاها
دهاتی	←	روستایی
دیوانعالی	←	دیوان عالی

توانائی ← توانایی

جایجا ← جابه‌جا

جرأت ← جرئت

جزیی ← جزئی

جست‌وجو ← جستجو

جمع مکسرِ عربی را تا حد امکان نباید مورد استفاده قرار داد.

رؤسا	←	رئيسان
وکللا	←	وکیلان
مأخذها	←	مآخذها

جناب‌عالی	←	جناب عالی
جوائز	←	جوایز
جولای	←	ژوئیه

ننویسیم ... بنویسیم	ننویسیم ... بنویسیم	ننویسیم ... بنویسیم	ننویسیم ... بنویسیم
شؤون ← شئون	شؤون ← شئون	شئون ← شئون	شئون ← شئون
شؤونات ← شئونات	شؤونات ← شئونات	شؤون ← شئون	شؤون ← شئون
صرف‌نظر ← چشم‌پوشی	صرف‌نظر ← چشم‌پوشی	چشم‌پوشی ← چشم‌پوشی	چشم‌پوشی ← چشم‌پوشی
طالبش ← تالش	طالبش ← تالش	تالش ← تالش	تالش ← تالش
طپیدن ← تپیدن	طپیدن ← تپیدن	تپیدن ← تپیدن	تپیدن ← تپیدن
طهماسب ← تهماسب	طهماسب ← تهماسب	تهماسب ← تهماسب	تهماسب ← تهماسب
طوس ← توس	طوس ← توس	توس ← توس	توس ← توس
عدم وجود ← عدم، فقدان	عدم وجود ← عدم، فقدان	عدم، فقدان ← عدم، فقدان	عدم، فقدان ← عدم، فقدان
علاقه‌مند ← علاقه‌مند	علاقه‌مند ← علاقه‌مند	علاقه‌مند ← علاقه‌مند	علاقه‌مند ← علاقه‌مند
علائق ← علائق	علائق ← علائق	علائق ← علائق	علائق ← علائق
علی‌حده ← علی‌حده	علی‌حده ← علی‌حده	علی‌حده ← علی‌حده	علی‌حده ← علی‌حده
علیرغم ← علی‌رغم	علیرغم ← علی‌رغم	علی‌رغم ← علی‌رغم	علی‌رغم ← علی‌رغم
علیهذا ← با وجود	علیهذا ← با وجود	با وجود ← با وجود	با وجود ← با وجود
با این حال ← علی‌هذا	با این حال ← علی‌هذا	علی‌هذا ← علی‌هذا	علی‌هذا ← علی‌هذا
عمل‌کرد [اسم] ← عملکرد	عمل‌کرد [اسم] ← عملکرد	عملکرد ← عملکرد	عملکرد ← عملکرد
عقربین ← عن‌قربین	عقربین ← عن‌قربین	عن‌قربین ← عن‌قربین	عن‌قربین ← عن‌قربین
غائب ← به‌زودی	غائب ← به‌زودی	به‌زودی ← به‌زودی	به‌زودی ← به‌زودی
غلطیدن ← غایب	غلطیدن ← غایب	غایب ← غایب	غایب ← غایب
غیرقابل قبول ← غلتیدن	غیرقابل قبول ← غلتیدن	غلتیدن ← غلتیدن	غلتیدن ← غلتیدن
غیر ممکن ← غیر قابل قبول	غیر ممکن ← غیر قابل قبول	غیر قابل قبول ← غیر قابل قبول	غیر قابل قبول ← غیر قابل قبول
فرآیند ← ناممکن	فرآیند ← ناممکن	ناممکن ← ناممکن	ناممکن ← ناممکن
فرامین ← فرایند	فرامین ← فرایند	فرایند ← فرایند	فرایند ← فرایند
فرمانداری‌کل ← فرمان‌ها	فرمانداری‌کل ← فرمان‌ها	فرمان‌ها ← فرمان‌ها	فرمان‌ها ← فرمان‌ها
فرمایشات ← فرمانداری کل	فرمایشات ← فرمانداری کل	فرمانداری کل ← فرمانداری کل	فرمانداری کل ← فرمانداری کل
فرمائید ← فرمایش (ها)	فرمائید ← فرمایش (ها)	فرمایش (ها) ← فرمایش (ها)	فرمایش (ها) ← فرمایش (ها)
فن‌آوری ← فرماید	فن‌آوری ← فرماید	فرماید ← فرماید	فرماید ← فرماید
فوائد ← فناوری	فوائد ← فناوری	فناوری ← فناوری	فناوری ← فناوری
قانون‌گذار ← قانون‌گذار	قانون‌گذار ← قانون‌گذار	قانون‌گذار ← قانون‌گذار	قانون‌گذار ← قانون‌گذار
کارآ ← کارا	کارآ ← کارا	کارا ← کارا	کارا ← کارا
کارآمد ← کارآمد	کارآمد ← کارآمد	کارآمد ← کارآمد	کارآمد ← کارآمد
کارایی ← کارایی	کارایی ← کارایی	کارایی ← کارایی	کارایی ← کارایی
کتاب ← کتاب	کتاب ← کتاب	کتاب ← کتاب	کتاب ← کتاب
کتابت (= کتاب تو) ← کتابت	کتابت (= کتاب تو) ← کتابت	کتابت ← کتابت	کتابت ← کتابت
کتابش ← کتابش	کتابش ← کتابش	کتابش ← کتابش	کتابش ← کتابش
کتابمان ← کتابمان	کتابمان ← کتابمان	کتابمان ← کتابمان	کتابمان ← کتابمان
کتابتان ← کتابتان	کتابتان ← کتابتان	کتابتان ← کتابتان	کتابتان ← کتابتان
کتابشان ← کتابشان	کتابشان ← کتابشان	کتابشان ← کتابشان	کتابشان ← کتابشان
کسرهای اضافه یا وصف اگر پس از یکی از مصوت‌های «ا» (A)، «و» (U)، «ه» «ه» (e) بیاید، تبدیل به «ی» می‌شود.	کسرهای اضافه یا وصف اگر پس از یکی از مصوت‌های «ا» (A)، «و» (U)، «ه» «ه» (e) بیاید، تبدیل به «ی» می‌شود.	کسرهای اضافه یا وصف اگر پس از یکی از مصوت‌های «ا» (A)، «و» (U)، «ه» «ه» (e) بیاید، تبدیل به «ی» می‌شود.	کسرهای اضافه یا وصف اگر پس از یکی از مصوت‌های «ا» (A)، «و» (U)، «ه» «ه» (e) بیاید، تبدیل به «ی» می‌شود.
بین نام و نام خانوادگی، کسره‌ی اضافه نمی‌آید؛ هرچند در گفتار، تلفظ شود.	بین نام و نام خانوادگی، کسره‌ی اضافه نمی‌آید؛ هرچند در گفتار، تلفظ شود.	بین نام و نام خانوادگی، کسره‌ی اضافه نمی‌آید؛ هرچند در گفتار، تلفظ شود.	بین نام و نام خانوادگی، کسره‌ی اضافه نمی‌آید؛ هرچند در گفتار، تلفظ شود.
خانۀ او ← خانۀ او	خانۀ او ← خانۀ او	خانۀ او ← خانۀ او	خانۀ او ← خانۀ او
پژوهشکدهٔ آمار ← پژوهشکده‌ی آمار	پژوهشکدهٔ آمار ← پژوهشکده‌ی آمار	پژوهشکده‌ی آمار ← پژوهشکده‌ی آمار	پژوهشکده‌ی آمار ← پژوهشکده‌ی آمار
که [حرف ربط] جدا از واژه‌های مجاور خود نوشته می‌شود.	که [حرف ربط] جدا از واژه‌های مجاور خود نوشته می‌شود.	که [حرف ربط] جدا از واژه‌های مجاور خود نوشته می‌شود.	که [حرف ربط] جدا از واژه‌های مجاور خود نوشته می‌شود.
(استثنا: بلکه)	(استثنا: بلکه)	(استثنا: بلکه)	(استثنا: بلکه)
درحالی‌که ← در حالی که	درحالی‌که ← در حالی که	در حالی که ← در حالی که	در حالی که ← در حالی که
اینکه ← این‌که	اینکه ← این‌که	این‌که ← این‌که	این‌که ← این‌که
آنکه ← آن‌که	آنکه ← آن‌که	آن‌که ← آن‌که	آن‌که ← آن‌که
چنانکه ← چنان‌که	چنانکه ← چنان‌که	چنان‌که ← چنان‌که	چنان‌که ← چنان‌که
گاهاً ← گاهی	گاهاً ← گاهی	گاهی ← گاهی	گاهی ← گاهی
گرام ← گرمی	گرام ← گرمی	گرمی ← گرمی	گرمی ← گرمی
گرایشات ← گرایش‌ها	گرایشات ← گرایش‌ها	گرایش‌ها ← گرایش‌ها	گرایش‌ها ← گرایش‌ها
گردآوری ← گردآوری	گردآوری ← گردآوری	گردآوری ← گردآوری	گردآوری ← گردآوری
گردهم‌آیی ← گردهمایی	گردهم‌آیی ← گردهمایی	گردهمایی ← گردهمایی	گردهمایی ← گردهمایی
گزارشات ← گزارش‌ها	گزارشات ← گزارش‌ها	گزارش‌ها ← گزارش‌ها	گزارش‌ها ← گزارش‌ها
گفت‌وگو ← گفتگو	گفت‌وگو ← گفتگو	گفتگو ← گفتگو	گفتگو ← گفتگو
لوازم التحریر ← لوازم تحریر	لوازم التحریر ← لوازم تحریر	لوازم تحریر ← لوازم تحریر	لوازم تحریر ← لوازم تحریر
ماهانه ← نوشت‌افزار	ماهانه ← نوشت‌افزار	نوشت‌افزار ← نوشت‌افزار	نوشت‌افزار ← نوشت‌افزار
ماهیانۀ ← ماهانۀ	ماهیانۀ ← ماهانۀ	ماهانۀ ← ماهانۀ	ماهانۀ ← ماهانۀ
مبداء ← مبدأ	مبداء ← مبدأ	مبدأ ← مبدأ	مبدأ ← مبدأ
مدلبندی ← مدل‌بندی	مدلبندی ← مدل‌بندی	مدل‌بندی ← مدل‌بندی	مدل‌بندی ← مدل‌بندی
مدلسازی ← مدل‌سازی	مدلسازی ← مدل‌سازی	مدل‌سازی ← مدل‌سازی	مدل‌سازی ← مدل‌سازی
مراسم‌ها ← مراسم	مراسم‌ها ← مراسم	مراسم ← مراسم	مراسم ← مراسم
مربوطه ← مربوط	مربوطه ← مربوط	مربوط ← مربوط	مربوط ← مربوط
مرکز‌آمارایران ← مرکز آمار ایران	مرکز‌آمارایران ← مرکز آمار ایران	مرکز آمار ایران ← مرکز آمار ایران	مرکز آمار ایران ← مرکز آمار ایران
مرؤوس ← مرئوس	مرؤوس ← مرئوس	مرئوس ← مرئوس	مرئوس ← مرئوس
مسأله ← مسئله	مسأله ← مسئله	مسئله ← مسئله	مسئله ← مسئله
مسؤول ← مسئول	مسؤول ← مسئول	مسئول ← مسئول	مسئول ← مسئول
معذالک ← مع‌ذک	معذالک ← مع‌ذک	مع‌ذک ← مع‌ذک	مع‌ذک ← مع‌ذک
مفید فایده ← مفید	مفید فایده ← مفید	مفید ← مفید	مفید ← مفید
ملغاء ← ملغأ	ملغاء ← ملغأ	ملغأ ← ملغأ	ملغأ ← ملغأ
ممهور ← مهر شده	ممهور ← مهر شده	مهر شده ← مهر شده	مهر شده ← مهر شده
منبعد ← من بعد	منبعد ← من بعد	من بعد ← من بعد	من بعد ← من بعد
منجمله ← از این پس	منجمله ← از این پس	از این پس ← از این پس	از این پس ← از این پس
منجمله ← من جمله	منجمله ← من جمله	من جمله ← من جمله	من جمله ← من جمله
موثر ← از جمله	موثر ← از جمله	از جمله ← از جمله	از جمله ← از جمله
موثر ← موثر	موثر ← موثر	موثر ← موثر	موثر ← موثر
می باشد تا حد امکان نباید مورد استفاده قرار گیرد.	می باشد تا حد امکان نباید مورد استفاده قرار گیرد.	می باشد تا حد امکان نباید مورد استفاده قرار گیرد.	می باشد تا حد امکان نباید مورد استفاده قرار گیرد.
می [نشانه‌ی فعل‌های مضارع اخباری] جدا از هسته‌ی فعل نوشته می‌شود.	می [نشانه‌ی فعل‌های مضارع اخباری] جدا از هسته‌ی فعل نوشته می‌شود.	می [نشانه‌ی فعل‌های مضارع اخباری] جدا از هسته‌ی فعل نوشته می‌شود.	می [نشانه‌ی فعل‌های مضارع اخباری] جدا از هسته‌ی فعل نوشته می‌شود.
میتوان ← می‌توان	میتوان ← می‌توان	می‌توان ← می‌توان	می‌توان ← می‌توان
میشود ← می‌شود	میشود ← می‌شود	می‌شود ← می‌شود	می‌شود ← می‌شود
نابه‌هنجار ← نابه‌نچار	نابه‌هنجار ← نابه‌نچار	نابه‌نچار ← نابه‌نچار	نابه‌نچار ← نابه‌نچار
ناچاراً ← به‌ناچار	ناچاراً ← به‌ناچار	به‌ناچار ← به‌ناچار	به‌ناچار ← به‌ناچار
نتنها ← نه‌تنها	نتنها ← نه‌تنها	نه‌تنها ← نه‌تنها	نه‌تنها ← نه‌تنها
نشأت ← نشئت	نشأت ← نشئت	نشئت ← نشئت	نشئت ← نشئت
نظرات ← نظر‌ها	نظرات ← نظر‌ها	نظر‌ها ← نظر‌ها	نظر‌ها ← نظر‌ها
نقطه‌نظر ← دیدگاه	نقطه‌نظر ← دیدگاه	دیدگاه ← دیدگاه	دیدگاه ← دیدگاه
نگهداشتن ← نگه داشتن	نگهداشتن ← نگه داشتن	نگه داشتن ← نگه داشتن	نگه داشتن ← نگه داشتن
نمازگذار ← نمازگزار	نمازگذار ← نمازگزار	نمازگزار ← نمازگزار	نمازگزار ← نمازگزار
نمرات ← نمره‌ها	نمرات ← نمره‌ها	نمره‌ها ← نمره‌ها	نمره‌ها ← نمره‌ها
نون [علامت جمع عربی] را به هیچ وجه نباید مورد استفاده قرار داد.	نون [علامت جمع عربی] را به هیچ وجه نباید مورد استفاده قرار داد.	نون [علامت جمع عربی] را به هیچ وجه نباید مورد استفاده قرار داد.	نون [علامت جمع عربی] را به هیچ وجه نباید مورد استفاده قرار داد.
روحانیون ← روحانیان	روحانیون ← روحانیان	روحانیان ← روحانیان	روحانیان ← روحانیان
ها [علامت جمع] جدا از واژه‌ی پیش از خود نوشته می‌شود.	ها [علامت جمع] جدا از واژه‌ی پیش از خود نوشته می‌شود.	ها [علامت جمع] جدا از واژه‌ی پیش از خود نوشته می‌شود.	ها [علامت جمع] جدا از واژه‌ی پیش از خود نوشته می‌شود.
کتابها ← کتابها	کتابها ← کتابها	کتابها ← کتابها	کتابها ← کتابها
خانها ← خانه‌ها	خانها ← خانه‌ها	خانه‌ها ← خانه‌ها	خانه‌ها ← خانه‌ها
اینها ← این‌ها	اینها ← این‌ها	این‌ها ← این‌ها	این‌ها ← این‌ها
آنها ← آن‌ها	آنها ← آن‌ها	آن‌ها ← آن‌ها	آن‌ها ← آن‌ها
هر چه قدر ← هر قدر	هر چه قدر ← هر قدر	هر قدر ← هر قدر	هر قدر ← هر قدر
هرگاه ← هرگاه	هرگاه ← هرگاه	هرگاه ← هرگاه	هرگاه ← هرگاه
هزینه و درآمد ← درآمد و هزینه	هزینه و درآمد ← درآمد و هزینه	درآمد و هزینه ← درآمد و هزینه	درآمد و هزینه ← درآمد و هزینه
هم‌آهنگ ← هماهنگ	هم‌آهنگ ← هماهنگ	هماهنگ ← هماهنگ	هماهنگ ← هماهنگ
هم‌آورد ← هم‌آورد	هم‌آورد ← هم‌آورد	هم‌آورد ← هم‌آورد	هم‌آورد ← هم‌آورد
همانجا ← همان جا	همانجا ← همان جا	همان جا ← همان جا	همان جا ← همان جا
هم‌بستگی ← هم‌بستگی	هم‌بستگی ← هم‌بستگی	هم‌بستگی ← هم‌بستگی	هم‌بستگی ← هم‌بستگی
هم‌چنان ← هم‌چنان	هم‌چنان ← هم‌چنان	هم‌چنان ← هم‌چنان	هم‌چنان ← هم‌چنان
هم‌چنین ← هم‌چنین	هم‌چنین ← هم‌چنین	هم‌چنین ← هم‌چنین	هم‌چنین ← هم‌چنین
هم‌چون ← هم‌چون	هم‌چون ← هم‌چون	هم‌چون ← هم‌چون	هم‌چون ← هم‌چون
هم‌دل ← همدل	هم‌دل ← همدل	هم‌دل ← همدل	هم‌دل ← همدل
هم‌دیگر ← همدیگر	هم‌دیگر ← همدیگر	هم‌دیگر ← همدیگر	هم‌دیگر ← همدیگر
همراه ← همراه	همراه ← همراه	همراه ← همراه	همراه ← همراه
هم‌زمان ← هم‌زمان	هم‌زمان ← هم‌زمان	هم‌زمان ← هم‌زمان	هم‌زمان ← هم‌زمان
هم‌سایه ← هم‌سایه	هم‌سایه ← هم‌سایه	هم‌سایه ← هم‌سایه	هم‌سایه ← هم‌سایه

بنویسیم	...	ننویسیم	بنویسیم	...	ننویسیم	بنویسیم	...	ننویسیم
مالکان	←	مالکین	سین [علامت جمع عربی] را تا حد امکان نباید مورد استفاده قرار داد.			همشهری	←	هم‌شهری
مسئولان	←	مسئولین				حاضرین	←	حاضران
مشاوران	←	مشاورین	سارقین	←	سارقان	هیچ‌کس	←	هیچ‌کس
معاونان	←	معاونین	شاغلین	←	شاغلان	هیئت	←	هیأت
معتادان	←	معتادین	عابریں	←	عابران	یک بار	←	یکبار
هیدروژن	←	ئیدروژن	غایبین	←	غایبان	یک روز	←	یکروز
«...»	←	"..."				یک سال	←	یکسال

فرشید خان‌زاده